



حزب حکمتیست، تحولات ایران

و خطر جنگ آمریکا

مصاحبه با رحمان حسین زاده در مورد
مباحثات پلنوم چهارم حزب - قسمت اول

کمونیست: چرا احتمال حمله آمریکا در این پلنوم جای ویژه ای داشت؟ حزب حکمتیست در این مورد به تفصیل گفته و نوشته است؟ به چه دلیل لازم بود که در پلنوم بطور ویژه به آن بپردازید؟

رحمان حسین زاده :

چون تهدیدات جنگی و احتمال جنگ آمریکا علیه ایران در سطح دنیا جایگاه ویژه ای دارد. یک فاکتور مهم و برجسته دنیای امروز احتمال راه اندازی یک جنگ دیگر توسط آمریکا این بار در جغرافیای ایران است. دستور کار اول جرج بوش و هیئت حاکمه فوق راست آمریکا و دولتهای غربی همین است بود. دارند خاورمیانه را به کام یک جنگ بزرگ دیگر سوق میدهند. حتی بعضی از مفسران موجب بگیر خودشان با تردید میپرسند " آیا جنگ جهان سومی در راه است؟" در طرف مقابل جمهوری اسلامی از این تهدیدات و فضای جنگی و جنگ احتمالی دارد به نفع خود و علیه مردم و صف آزادیخواهی بیشترین استفاده را میبرد. به این دلایل لازم بود در بالاترین سطح تجمع رهبری حزب بار دیگر به این موضوع مهم بپردازیم. روندها و راه حلها را موشکافی کنیم. قبل از پلنوم هم حزب ما سیاست روشن و متمایزی داشت. سلسله مقالات " بحران هسته ای یا بحران به بهانه هسته ای " لیدر حزب کورش مدرسی سیاست روشنی را ترسیم کرده است. در پلنوم بر این اساس بیشترین همفکری و تبادل نظرها شد. متاخرترین فاکتها و روندهای این اوضاع تحلیل و نتیجه گیری شد و مهمتر در ابعاد متنوعی که حزب میتواند تاثیر گذار باشد چه در داخل و چه در خارج کشور و در کردستان سیاست دخالتگرانه حزب ترسیم شد. مبنای پراتیک حزب و سازمانهای حزبی تعیین شد. سلسله مقالات "بحران هسته ای یا بحران به بهانه هسته ای" و قرارهای لازم دیگر به تصویب رسید. در یک کلام پلنوم چهارم چگونگی آمادگی حزب را برای مواجهه با این تحولات مهم و پیچیده ترسیم کرد.

کمونیست: با توجه به این اوضاع آیا پلنوم در پلاتفرم سیاسی حزب تغییری داد؟ منظور این است که آیا دستورکارها و ... دیگری به کار رهبری حزب اضافه شد؟

رحمان حسین زاده :

پلنوم دستور کار بسیار جدی و سرنوشت سازی را در مقابل رهبری حزب قرار داده است. اما پلنوم به "میل خود" این کار را نکرده است. دنیای بیرون و تحولات مهم در حال جریان این دستور کار را در مقابل ما قرار داده است. این دستور کار در عین حال به معنای تغییری در پلاتفرم و خط مشی سیاسی ما نیست. حزب حکمتیست برای سرنوشت فوری جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. خط مشی ما همان است. اما پیگیری این خط مشی در زمان و مکان مشخص و در دل تحولات پیچیده پیگیری میشود. در نتیجه آنچه این پلنوم به آن توجه داشت این نکته بود که با تهدید جنگ و جنگ احتمالی آمریکا در ایران شرایط مبارزه و کار ما برای تحقق خط مشی مان تغییر میکند. همانطور که شرایط کار و زندگی توده کارگر و مردم و صف بندیهای سیاسی ایران تغییر میکند. فاکتورها و موانع پیچیده ای جلو ما قد علم میکنند. ما سعی کردیم این اوضاع جدید جامعه و تحولات و شرایط کار خودمان را بشناسیم. جامعه و مردم و حزب را برای چلنج هایی که با آن روبرو هستیم آماده کنیم

در باره مراسمهای

اول مه امسال



محمود قزوینی

دوستی و مبارزاتی برگزار شده بود. اما آن مراسمها از قدرت و توان بالایی برای نشان دادن خود به جامعه برخوردار نبوده اند. مراسمهای تهران و سنندج، مراسمهایی هستند که در تاریخ جنبش کارگری ایران و تاریخ اول ماه ثبت خواهند شد و در باره آنها و در باره نقاط قدرت و ضعف آنها خواهند نوشت.

برگزاری علنی چندین مراسم بزرگ در تهران و سنندج قدرت طبقه کارگر ایران را به نمایش گذاشت. اما محدود بودن آن به دو شهر و ضعف در بسیج گسترده کارگران و مردم در تهران، بار دیگر کمبودی را در جنبش کارگری به رهبران عملی کارگری گوشزد کرده است.

تهران.

در تهران کارگران شرکت واحد و سندیکای آنها،

مراسمهای مستقل اول ماه مه امسال محدود به تهران و سنندج بوده است. حتما در شهرهای دیگر هم مراسمهای مستقل اول ماه مه در محافل خانوادگی و

ادامه در صفحه 3



اول مه سنندج، یک جدال طبقاتی پیروزمند!

مظفر محمدی

در صفحه 4

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

و راه حل‌های موثر و کار ساز پیشروی تحرک انقلابی، جنبش سرنگونی و قدرت گیری کارگر و کمونیسم و حزب را در دل این اوضاع تدوین کنیم. خط مشی ما تغییر نکرده است اما شرایط کار و مبارزه ما به شدت تغییر کرده است. پیگیری همان خط مشی در دل این شرایط جدید تم اصلی پلنوم چهارم حزب ما بود.

کمونیست: چرا فکر میکنید مباحث این پلنوم نه فقط توجه اعضا حزب، بلکه کل جامعه را به خود جلب کند؟

رحمان حسین زاده:

ببینید جامعه و مردم دنبال "عناوین و کلمات" نیستند. پلنوم ما و پلنوم و نشست هیچ جریان دیگری بطور در خود مورد توجه مردم قرار نمیگیرد. آنچه باید مورد توجه مردم قرار گیرد سیاستها و پراتیک ما در این دوره حساس است. لازمه اینکار در وهله اول اینست که ما این سیاستها را قابل دسترس و قابل توجه کنیم. در هر سطح و در هر محدوده ای که ما این سیاستها را در میان مردم قابل دسترس و قابل انتخاب کردیم، آنوقت مصرانه و حق به جانب از مردم میخواهیم این سیاستها را انتخاب و اتخاذ کنند. بگذارید کمی بیشتر در مورد رئیس سیاستهایمان توضیح دهم.

ما اعلام کرده ایم خطر بزرگی آینده جامعه ایران و مردم و مبارزات آنها را برای سرنگونی جمهوری اسلامی تهدید میکند. آمریکا در پی منافع جهانی خود، در پی تحکیم قلدنمنشی خود بر جهان، در پی برتری طلبی و به بیان خودشان "رهبری" بر جهان میخواهد بر

کشور ایران تحریم اقتصادی و احتمالاً جنگی را تحمیل کند. مصائب این قلدن منشی مستقیماً گریبان مردم ایران را میگیرد. تباهی جامعه، تحمیل فقر و ناداری، کشتار وسیع، نابودی اقتصادی و از هم پاشاندن مدنیت جامعه و سر بر آوردن گانگسترهای اسلامی و قومی و نا امنی و جنگ روزمره تهدید بالای سر مردم ایران است. عراق امروز قرار است صحنه ساده تر و محدودتری از ایران فردای بعد از جنگ آمریکا باشد. هیچ درجه از تنفر بر حق ما و سرنگونی طلبی واقعی ما علیه جمهوری اسلامی نباید اقدام جنگی آمریکا و این آینده ترسناک را توجیه کند. این سناریو و نابودی جامعه را ما و مردم با روشنی باید مردود اعلام کنیم.

جالب اینجاست که آمریکا و متحدان محلی اش با پرویی میخوانند این اقدام را همسویی با مردم ایران برای خلاصی از دست جمهوری اسلامی قالب کنند. این پروپاگاندا دروغین است و باید رسوا شود. عواقب "آزاد سازی" عراق توسط آمریکا تجربه گویایی است. ما احتیاجی به این نوع "آزاد سازی" نداریم، لطفاً این بساط را جمع کنید. نکته اینجاست بر عکس مورد عراق خودشان با بیان صریح میگویند در پی چنین جنگی که قرار است سلاح هسته ای هم بکار گرفته شود، خبری از سرنگونی جمهوری اسلامی نیست، بلکه میخواهند ساختن سلاح هسته ای توسط جمهوری اسلامی را چند سالی به تعویق بیندازند. اذعان دارند که جمهوری

اسلامی به این بهانه موقعیت خود را محکمتر میکند

اینجا بر این نکته تاکید میکنم که اتفاقاً تحریم اقتصادی و جنگ و دخالت آمریکا مستقیماً علیه جنبش سرنگونی برای جمهوری اسلامی است. فضای جنگی و جنگ احتمالی درست مثل جنگ ایران و عراق "برکات" زیادی برای جمهوری اسلامی خواهد داشت. از هم اکنون علائم آن پیداست. به این بهانه بیش از پیش شمشیر را از رو علیه مردم می بندد. فضا را میلیتاریزه و فشار و محدودیت را افزایش میدهد. هر تحرکی را به بهانه همسویی با بیگانه میکوبد. خرافه اسلامی و ناسیونالیستی دفاع از "میهن اسلامی" و "استقلال" را باد میزند. بسیاری از نیروهای نیم بند ناراضی فعلی را به دنبال خود میکشد. شکافهای درونی خود را پر میکند. و به علاوه ناسیونالیسم ایرانی و "مام میهنی و تمامیت ارضی طلب" را چون سیاهی لشکر پشت سر خود خواهد داشت. این اوضاع تحرک ما و مردم را برای سرنگونی جمهوری اسلامی زیر فشار جدی میگیرد. جنبش سرنگونی انقلابی و اراده مردم را به حاشیه میراند. راه را برای سناریوی سیاه و شرایط سخت علیه مردم تسهیل میکند. در مقابل این طرح و این خطر باید ایستاد و ما این را اعلام کرده ایم.

ما اعلام کرده ایم، ما و مردم نزدیک به سه دهه است با حاکمیت سیاه اسلامی و آزارهای این رژیم ضد انسانی دست و پنجه نرم میکنیم. در همه این دوران از پا ننشستیم مبارزه و اعتراض را

سازمان دادیم. فراز و نشیب و تحولات مهمی را پشت سر گذاشتیم و دست آخر در سالهای اخیر آگاهتر، با اراده تر و متحد و متشکلاتر از گذشته جمهوری اسلامی را زیر ضرب گرفتیم. زمانی که همین کشورهای غربی و بسیاری از نیروهای اپوزیسیون به بهانه دوم خرداد زیر بغل جمهوری اسلامی را گرفتند و عمر برایش خریدند، مبارزه مردم و ما ادامه پیدا کرد و هشدار دادیم که هر گشایشی در زندگی مردم در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. پدیده دوم خرداد شکست خورد و جنبش سرنگونی جلو آمد. اکنون نوبت ما ست و به دست خود جمهوری اسلامی را سرنگون میکنیم. دخالت آمریکا و تهدیدات جنگی اش را مستقیماً علیه پروژه سرنگونی جمهوری اسلامی و به دست گرفتن سرنوشت جامعه به دست مردم میدانیم. برای خلاصی از دست جمهوری اسلامی و همین کابوس جنگ آمریکا در ایران ما و مردم راهی جز تشدید مبارزه برای سرنگونی سریعتر جمهوری اسلامی نداریم.

باید متوجه بود، بسیاری از نیروهای اپوزیسیون از راست و چپ صورت مسئله دست ساز آمریکا "بحران اتمی" را از آمریکا پذیرفته اند و به درجات مختلف حقانیتی برای قلدنریهای آمریکا قائلند. به دخالت آمریکا امید بسته اند. ما اعلام کرده ایم هر نوع امید بستنی نسبت به دخالت آمریکا که کل اپوزیسیون راست ایران از آن جانبداری میکند، ضد انسانی است و هر نوع

سیاست انتظار و پاسیفیستی که بعضی نیروهای به اصطلاح چپ هم زیر پوشش "تشدید بحران اتمی توسط جمهوری اسلامی" و گشتمکش "دو قطب تروریستی" موعظه میکنند، مانع سر راست مبارزه ما برای سرنگونی جمهوری اسلامی و علیه قلدنری آمریکا است.

سیاست ما روشن است در مقابل خطر بزرگی که مستقیماً ایران و همزمان کل جبهه انسانیت را در دنیا تهدید میکند، باید فعالانه به میدان آمد. وظیفه کارگران و مردم و احزاب کمونیستی و انقلابی مثل مال در ایران سرنگونی کامل و سریع جمهوری اسلامی است و "نه گفتن محکم به دخالت و جنگ آمریکا است. در سطح بین المللی هم فعالانه علیه قلدنری و جنگ طلبی کاپیتالیستی و نظم نوینی لازمست به میدان آمد. وقت آن است طبقه کارگر و مردم برای سرنگونی دولتها و قدرتهای کاپیتالیستی بانی این وضعیت به میدان بیایند. همانطور که انتظار اینست طبقه کارگر و مردم و کمونیستها در ایران جمهوری اسلامی را سرنگون کنند، انتظار فوری اینست طبقه کارگر و مردم و احزاب انقلابی در کشورهای اروپایی و آمریکا هم فقط به تظاهرات ضد جنگ بسنده نکنند. بلکه برای به زیر کشیدن دولتهای سرمایه داری حاکم به میدان بیایند. اگر در جنگ اول و دوم خلیج و مقطع حمله به عراق طبقه کارگر صنعتی قدرتمند آمریکا و انگلیس کار را میخوابانند

بقیه در صفحه ۴

اساس سوسیالیسم انسان است سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

اول ماه مه

بقیه از صفحه 1

فعالین کارگری که

ماههاست با زندان و اخراج و بی حقوقی دست و پنجه نرم میکنند، نیروی اصلی و محوری مراسمهای مستقل اول ماه مه بوده اند. چه در آبخار خور که در روز 8 اردیبهشت برگزار شد و حدود 2500 نفر در آن شرکت کرده اند و چه در مراسمهای بعدی، رد پای فعالین کارگری شرکت واحد و یا تاثیرات فعالیت آنها به چشم میخورده است. در آبخار خور کارگران شرکت واحد با کارگرانی از ایران خودرو و سایپا و مراکز کارگری دیگر حضور داشتند. در مراسم خور فضای اتحاد و همبستگی قوی طبقاتی به نمایش گذاشته شد. کارگران شرکت واحد و خانواده های آنها که ماهها در سختی و مزیقه بوده اند،

خود را در آغوش یک خانواده بزرگ یافته اند که آماده است تا سختی و مشقت را با آنها تقسیم کند..

در مراسم آبخار خور بر آزادی اسانلو تاکید شد و مطالبات دیگر کارگری مانند آزادی حق اعتصاب و تشکل طرح گردید و بر روی پلاکاردها نوشته شده بود.

روز 11 اردیبهشت در تهران در مقابل دفتر مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی در خیابان هنگام، تجمع مستقل کارگران برای اول ماه مه برگزار شد. صدها نفر از کارگران اخراجی شرکت واحد و رانندگان اتوبوسرانی و فعالین کارگری و جمع زیادی از

دانشجویان در این تجمع شرکت داشتند. کارگران و فعالین دانشجویی برای آزادی اسانلو و آزادی تشکل و اعتصاب شعار دادند. در این مراسم تعدادی از فعالین کارگری و دانشجویان شرکت کننده دستگیر شدند..

سنندج

بزرگترین مراسم اول ماه مه امسال در سنندج برگزار شد. بیش از 1500 نفر در تظاهرات اول ماه سنندج شرکت کردند. برگزاری مراسم سنندج نقش بسیار مهمی در اتحاد و همبستگی کارگران در سنندج و دیگر شهرهای ایران بازی میکند. در مراسم سنندج هم چنین قطعنامه 19 ماده ای قرائت شد که مطالبات و خواسته های بنیادی و روزانه کارگران ایران را طرح کرده بود. کارگران تهران و شهرهای دیگر میتوانند از فعالین کارگری شهر سنندج بسیار بیاموزند. در مورد مراسم شهر سنندج در همین شماره کمونیست رفیق مظفر محمدی مطلبی نوشت و حق مطلب را ادا کرده است.

مراسم خانه کارگر و شوراهای اسلامی.

خانه کارگر و شوراهای اسلامی رژیم امسال نیز تلاش کردند تا مراسم اول ماه مه را برگزار کنند. اما هدف مراسم اول ماه مه خانه کارگر دو چیز بوده است. یکی تلاش همیشگی خانه کارگر و شوراهای اسلامی است که میخواهند با طرح برخی از مطالبات کارگران به صورت سر و دم بریده جا پای در میان کارگران پیدا کنند. شوراهایی اسلامی و خانه کارگر با طرح افزایش ناچیز دستمزد و

لغو قانون خارج شدن کارگاههای کوچک از زیر قانون کار و بیمه اجتماعی و برخی مطالبات دیگر به این تلاش دست میزنند و اول ماه مه هم برایشان فرصتی بوده است تا ابراز وجود کنند.

هدف دوم آنها استفاده از اعتراضات مهیار شده کارگران برای فشار به جناح احمدی نژاد و به سود جناح رفسنجانی بوده است. برای این منظور هزاران کارگر را از شهرهای مختلف به مناسبت روز کارگر جمع کردند و اعتراضات کارگران به وضعیت معیشتشان و اعتراضشان به سیاستهای اقتصادی رژیم که خارج از اراده برگزارکنندگان در مراسم نمایشی هم بیان میشد، توسط برگزارکنندگان به عنوان انتقاد به دولت احمدی نژاد تفسیر و تعبیر شده است. اما همین اعتراضات کنترل شده کارگران آنقدر تند بوده که برگزارکنندگان در پایان در اطلاعیه ای مجبور شدند بنویسند که کارگران به کسی از مسئولین توهین نکردند و تلاش عده ای برای این منظور به جایی نرسید..

هشدار ربیعی در باره خطر افراطی گری در جنبش کارگری

ربیعی یکی از سزان خانه کارگر در سخنرانی خود در مراسم نمایشی اول ماه مه رژیم، در یک هشدار به احمدی نژاد که چشم ندارد تا شوراهای اسلامی و خانه کارگر نزدیک به رفسنجانی را ببینند و اهمیت آنها را در کنترل اعتراضات کارگری درک کند گفت: "با توجه به قضیه جنبش دانشجویی و جریان سازیهایی که عده ای

برای محدود کردن این جنبش انجام داده و نتایج منفی به دست آوردند. صاحبان این تفکر از تکرار این اقدامات در مواجهه با جنبش کارگری خودداری کنند؛ چراکه هرگونه جریان سازی مصنوعی می تواند در آینده ریشه های افراطی گری را به دنبال داشته باشد"

آقای ربیعی میداند که خود حرکت مستقل کارگران در ایران و تشکل مستقلشان، آن افراطی گری است که ربیعی خطر آن را به احمدی نژاد و رژیم هشدار میدهد. مراسمهای مستقل اول ماه مه در تهران و سنندج خود نمونه بارز این افراطی گری بوده اند.

اگر افراطی گری و به چپ چرخیدن دانشجویان بعد از شکست دو خرداد، موجب نزدیکی دانشجو به کارگر شد، افراطی گری گسترده کارگران موجب نزدیکی پایان عمر رژیم میشود که ربیعی می خواهد سویاپ اطمینان برای آن داشته باشد.

همین مراسم نمایشی و بالماسکه روز کارگر که توسط خود ربیعی و خانه کارگرش اجرا شد، باید قدرت ریشه های این افراطی گری را در خود مراسم به او نشان داده باشد. حتی در آنجا هم این افراطیگری بیان شد. ربیعی احمدی نژاد را از حاشیه ای شدن و از بین رفتن شوراهای اسلامی میترساند و میگوید در آنصورت کارگران نیز مانند دانشجویان به چپ روی خواهند آورد..

حتما انحلال شوراهای اسلامی و خانه کارگر در گسترش تشکل یابی و اعتراضات کارگری و " افراطی گری" نقش خواهد داشت. اما شوراهای

اسلامی و خانه کارگر ربیعی و رفسنجانی نمیتوانند " افراطی گری " کارگران را امروز مهار کنند و چنین جایگاهی در میان کارگران ندارند. مبارزه کارگران شرکت واحد برای تشکلشان در سال گذشته و صدها اعتصاب کوچک و بزرگ فقط نمونه هایی از این "افراطی گری" هستند. مراسمهای مستقل اول ماه مه امسال هم از جمله آن افراطی گری هایی هستند که اگر پلیس و زندان و تهدید از دست دادن شغل و معاش خانواده نباشد، میلیونها کارگر به این افراطی گری میپیوندند. احمدی نژاد خوب میداند که از شوراهای اسلامی در این رابطه کاری ساخته نیست. در مقابله با افراطی گری کارگران، در مقابله با اعتراض و اعتصاب کارگری، جمهوری اسلامی اساسا مجبور به سرکوب کارگران خواسته هایی آنها است. افراطی گری کارگران در اعتصاب هر روزه شان و در مراسمهای اول ماه مه امسال و قطعنامه هایشان بیان شده است.

جنبش کارگری "افراطی" امسال مراسم محدود به تهران و سنندج بوده است. محدود بودن مراسم به تهران و سنندج وظیفه دیگری را در دستور فعالین کارگری میگذارد. گسترش ارتباط فعالین کارگری و رهبران عملی مبارزات کارگری با یکدیگر در سراسر ایران. تهران و سنندج باید تمام ایران را با خود همراه کنند. این هم درسی از یک کمبود در جنبش کارگری است که در اول ماه مه نیز قابل مشاهده بود.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

اول مه سنندج، یک جدال طبقاتی پیروزمند!



اسلحه و نیروی نظامی و پلیسی صدای کارگران را خفه کند، سرانجام از شنیدن پیام کارگران گریزی نداشت.

اما اگر مجال بود و کارگران میتوانستند سخنرانی کنند، پیامهای روشنی به جامعه کارگری و به کل جامعه انسانی داشتند.

بار دیگر دست همه فعالین و رهبران کارگری و زنان و مردان کارگری که با شرکت خود این حرکت بزرگ تاریخی را انجام دادند میفشارم. کارگران سنندج در نساجی ها و خیازهای و کارخانه های بزرگ و کوچک و شهرک صنعتی و شهرداری و خدمات شهری به این اتحاد و همبستگی شما فعالین و رهبران کارگری چشم امید دوخته اند. دنیایی تلاش و امید به زندگی بهتر و رفاه و آزادی و انسانیت جلو روی همه ما است. درود بر شما و اتحادتان و همبستگی طبقاتیان!

مظفر محمدی ۱۲
اردیبهشت ۸۵ (دوم مه ۲۰۰۶)

کارگری و نمایندگان و رهبران کارگران باید متحد بمانند و کارگران را در ابعاد توده ای و وسیع متشکل کنند.

سوم - حضور زنان و دختران جوان کارگر و آزادیخواه در این حرکت مهم کارگری بسیار برجسته بود. این انسانهای مبارز و برابری طلب بارها نمایندگان کارگران را از چنگ نیروهای نظامی و پلیسی در آورده، اتوبوسهای نظامی حامل کارگران را متوقف کرده و مانع دستگیر شدن همسرانشان خود شدند. این اولین بار نیست و شهرسنندج بارها شاهد حضور زنان و دختران در حرکتی اجتماعی برای دفاع از حقوق زن و کودک و کارگر بوده است. اما این حضور مجدد در شرایطی که رژیم به شدت پوسیده و ضد زن حملات جدیدی را به زنان آغاز کرده است، معنای سیاسی و اجتماعی مهمی دارد. این نشان میدهد که زنان کارگر و زنان بیکار تحت نام خانه دار و دختران جوان و تحصیل کرده این مملکت حاضر به تسلیم در مقابل زورگویی مرتجعین تا مغز استخوان گندیده نخواهند شد و در سنگر دفاع از آزادی و برابری زن و مرد ایستاده اند.

و بالاخره آنچه را که کارگران گفتند و خواستند و اعلام کردند در قطعنامه اول مه کارگران سنندج آمده است. دشمن کارگران که میخواست به زور

نمایندگان دولت و فرماندهان نظامی و پلیس، ادعانامه و قطعنامه شان را در محکومیت فلاکت و سرکوب و جنگ، قرائت کردند. به این ترتیب یک روز کامل جدال بین کارگران و دولت نماینده سرمایه با سربلندی کارگران و شرمساری نوکران سرمایه پایان یافت.

دوم- برای اولین بار پس از سالها تفرقه و پراکنگی در صفوف کارگران، این بار و در روز اول مه امسال، فعالین و رهبران کارگری در سنندج دستهایشان را در دست هم گذاشتند و در صافی واحد به میدان آمدند. این پدیده ای بسیار با اهمیت و برای مبارزه آتی کارگران سرنوشت ساز است. باید دست فعالینی را که این اتحاد و یکپارچگی را ممکن کردند صمیمانه فشرده. باید این همبستگی طبقاتی بین کارگران را ارج نهاد و آن را حفظ کرد و پاس داشت.

اول مه یک روز است اما ابراز وجود کارگران و بخصوص صف متحد و فشرده شان و تامین یک اتحاد کارگری ماندنی است و دستمایه کارهای بزرگ آینده برای نه تنها دفاع از حقوق کارگری بلکه دفاع از انسانیت و مدنیت و برابری در جامعه است. دستمایه تامین رهبری کارگر بر جنبش آزادیخواهی در جامعه است. و معنی عملی این کار این است که فعالین

همزمان با همسرنوشتان خود در تهران و از جمله کارگران شرکت واحد و در سراسر ایران و جهان، دارای ابعاد مهم و قابل توجهی است:

اولا- اول مه سنندج در شرایط و فضای سیاسی کنونی در ایران و منطقه و در سطح بین المللی امری بسیار با اهمیت و پدیده ای درخشان بود. اگر منطقه محل اجتماع کارگران نظامی نمیشد، بدون شک ده ها هزار کارگر و خانواده هایشان و جوانان و زنان و مردم سنندج در یک مراسم باشکوه کارگری جمع میشدند. در اولین ساعات صبح دوشنبه ۱۱ اردیبهشت موج روی آوری کارگران و خانواده های کارگری و مردم به محل اعلام شده از طرف کمیته برگزاری اول مه سنندج در خیابان تاج، شروع شده بود. اما حضور وسیع نیروهای انتظامی و پلیسی و گارد رژیم جلو این موج را سد کرده و صدها کارگر حاضر در محل را محاصره کردند.

هر بار حمله مزدوران برای پراکنده کردن کارگران با ضد حمله کارگران خنثی میشد و کارگران و نمایندگان دستگیر شده با تعرض متقابل پس گرفته میشدند. این کشمکش در نهایت به یک راه پیمایی به طرف سالن فجر منجر شد و کارگران با سربلندی و با روحیه رزمنده در مقابل چشمان از حدقه در آمده

مظفر محمدی:

دوستی میگفت امروز در جدال بین خیر و شر در سنندج، خیر پیروز شد. و این حقیقت دارد. روز ۱۱ اردیبهشت شهر سنندج شاهد جدالی طبقاتی بین کارگران و نمایندگان از طرفی و نمایندگان بورژوازی در لباس نیروی انتظامی، گارد ویژه، لباس شخصی ها و اداره کار و فرمانداری و اطلاعات و غیره بود.

در این جدال نابرابر بین خیر و شر، بین کارگران و طبقات دارا و بین انسانیت و ضد انسانیت، کارگر و انسانیت پیروز شد و رژیم اسلامی سرمایه این نماینده شر و فلاکت و سرکوب و استثمار و ضدیت با کارگر و زن و انسانیت بار دیگر شرمسار و رسوا گردید.

ابراز وجود طبقاتی کارگران در روز جهانی کارگر امسال در شرایطی اتفاق افتاد که از طرفی دولت ابرقدرت امریکا بر طبل جنگ میکوبد و از طرف دیگر برای رژیم اسلامی جنگ خیر و برکت و بهانه ایجاد فضای جنگی و سرکوب و خفه کردن هر گونه صدای آزادیخواهی مردم و حق طلبی کارگران شده است.

صدای کارگران در اول مه جوابی به هر دوی این قلدری و زورگویی و دفاع از مدنیت و آزادی و برابری بود.

ابراز وجود طبقاتی کارگران در سنندج

مصاحبه با رحمان حسین زاده - ادامه از ص 2 : و چرخ اقتصاد را از گردش مینداختند. اگر سربازان به جای رفتن به جبهه جنگ لوله تفنگهایشان را علیه "بورژوازی خودی" بر میگردداند. ورق بر میگشت و بوش و بلر نمیتوانستند "ژاندارم بازی" خود را بر دنیا تحمیل کنند. جواب مقداری مفصل شد، اینها رونویسی از اتخاذ سیاستهای ما در پلنوم اخیر است.

به حکمتیست ها پیوندید!